

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیر الله مبنی بر تغییر و تحول

در باره تقدیر و سنن الهی مبنی بر تغییر ، قرآن منزل ، موضوعات و موارد و آیات بسیاری را ارائه میدهد . و نمونه های آنها همراه با نکاتی در ذیل عرضه میشوند . قرآن پیروز در باره تغییر و شرط تغییر و چگونگی سرنوشت بشریت و جوامع مختلف ، از فساد به رشد یا عکس آن ، از فقر به غناء یا عکس آن ، از جنگ به امنیت یا عکس آن و در سوره ها و آیات متعدد ، روشنگری میکند و واقعیتها را به بشریت می رساند . در سوره رعد آیه ۱۱ در مورد تغییر و شرط تغییر جوامع بشری ، از وضع فاسد به وضعی توحیدی و رشد یابنده ، قرآن مُنیر این چنین اعلام میدارد : **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ (تقدیر ۱) حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (تقدیر ۲) وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءً فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ (تقدیر ۳)** : « به تاکید الله (بنابر تقدیر و قوانین الهی حاکم بر جوامع و تاریخ بشری) تغییری در وضع و سرنوشت قوم و جامعه ای پدید نمیآورد ، تا وقتی که خود آن قوم و جامعه ، خود در وضع و سرنوشت خود تغییر و تحول ایجاد کنند ، و زمانی که الله اراده کند (تقدیر الهی حاکم بر بشریت و جوامع بشری اقتضاء نماید) که به قوم و جامعه ای زیان و مصیبتی وارد آید ، راه و پناهی برای آنها وجود نخواهد داشت (و تقدیرات الهی خود بخود ظاهر میشوند) و جز الله و قوانین و تقدیرش (که مبنی بر قیام قوم و جامعه بلازده برای تغییر و تحول است) یاور و پشتیبانی نخواهند داشت » . آری در میدان تغییرات مثبت و برای تغییر وضعی مصیبت بار به وضعی پر امنیت و قانونمند و رشد یابنده ، تنها پشتیبان ، حرکت بر پایه سنن و قوانین و تقدیرات الهی و مبتنی بر عزم و عمل آن قوم و اجتماع است ، وضع پر بلا و مصیبتی که ممکن است مثلاً در سایه « غفلت » بوقوع پیوسته باشد . زیرا تقدیر و سنت الهی بر این اساس جاری و بنیان نهاده شده است ، و شرط تغییر و تحول ، اراده و عمل انسانی و قیام مردم قرار داده شده است .

قرآن مجید در همین رابطه و مشخصاً از تغییر مشروط و از تردد و زلزل به ثبات و اطمینان در سوره محمد آیه ۷ چنین روشنگری میکند: **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ** (تقدیر ۱) **وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ** (تقدیر ۲): «اگر به یاری و نصرت الله (دین اسلام) برخیزید، الله نیز شما را یاری و نصرت خواهد داد، و قدمها و اراده های شما را ثبات و پایداری خواهد بخشید». بدینصورت پشتیبانی الله از ایمانداران (از طریق تقدیرات و سنن قانونمند)، مشروط به یاری و همراهی اهل ایمان از دین الله و اسلام است. در صورت تحقق چنین شرطی، علاوه بر حمایت الهی، مسلمین از ثبات قدم و توان روحی و ارادی برای استمرار مبارزه نیز برخوردار خواهند شد و از زلزل و تردد و ناتوانی نجات پیدا خواهند کرد. (تغییر مشروط از زلزل و تردد به ثبات و استحکام).

تقدیر الله مبنی بر اختیار و آزادی انسان

تقدیرات الله در رابطه با اختیار و آزادی بشری، که در قرآن بیان شده اند، دارای ابعاد مختلف هستند: **اولاً** الله مُقَدِّرٌ کرده که انسان را خلق و او را در احسن تقویم (بهترین ساخت) بیافریند، تا از این طریق، در صورت هدایت و قرار گرفتن در خط توحیدی اسلام، به اعلیٰ علیین و بالاترین قُلل رشد و تکامل نائل گردد. **ثانیاً** الله مقدر کرده که از روح خود در هر فرد انسانی بدمد و بشر را دو بُعدی (جسمانی و روحانی) گرداند و او را جانشین خود در زمین نماید. **ثالثاً** الله مقدر کرده که انسانها از اراده و اختیار و عقل برخوردار باشند، و در عین هدایتشان از طریق رسولان، آنها را در راهی که در زندگی پیش میگیرند، و در نحوه زندگی، آزاد گذاشته است. در این ابعاد و دیگر جوانب بشری، آیات زیادی در قرآن مبین وجود دارد، و در اینجا تنها به ذکر آیاتی در رابطه با بعد اخیر یعنی اختیار و آزادی انسان اکتفا میشود، آزادی و اختیاری که انسانها را سخت متغیر و متحرک نموده و آنها را در میدانهای مختلف **ثبات** و **تغییر** و **زلزل** به جَوْلان در می آورد، و این تقدیر الله است، و تقدیر و قوانین الهی بر این اصل قرار گرفته است که وضع بشریت چنین باشد. حال به چند آیه در این رابطه توجه فرمایید: قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۵۶ درباره آزادی در انتخاب دین و رفتن به راه کفر و ایمان چنین اعلام میدارد: **لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ** (تقدیر ۱) **قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ** (تقدیر ۲):

« در قبول و پذیرش دین (اسلام) اکراه و اجباری وجود ندارد ، چون راه رشد و تکامل (توحید) از گمراهی و سرگردانی جدا و مشخص شده است . » در سوره یونس آیه ۹۹ قرآن هدایت گر در همین رابطه و در مورد اینکه الله از اول چه تصمیمی برای نحوه دینداری انسانها گرفته است اینچنین اعلام میدارد : **وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا** (تقدیر ۱) **أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ** (سؤالی انکاری برای تأکید تقدیر ۱) : « اگر الله میخواست و اراده و قانون او بر آن قرار میگرفت ، همه کسانی که بر روی زمین هستند حتما ایمان میآوردند (اما اراده و قانون الله بر آزادی و انتخاب ایمان و عقیده قرار گرفته است) . پس آیا شما میخواهید مردم را وادار و مجبورسازید که ایمان بیاورند و بنابر جبر و اکراه در خط اسلام قرار گیرند ؟ » . (کاری که الله نکرده و او ایمان و عقیده را به اختیار و انتخاب سپرده است) . اینست دین اسلام ، همان دین توحید و عدالت و آزادی . در سوره انسان آیه ۳ آزادی و انتخاب بشری و امکان حرکت در میدان کفر و ایمان این چنین ادامه یافته است : **إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ** (تقدیر ۱) **إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا** (تقدیر ۲) : « ما راه توحید را (از طریق کتب وحی و ارسال رسولان و اعطای عقل مدرک) به نسل انسان نشان دادیم (و آن را تشریح و مستدل کردیم) ، حال این خود انسان است که میتواند شکر گذار و ایماندار گردد و یا اینکه راه کافری و انکار در پیش بگیرد » . اینست هدایت توحیدی و اینست آن ایمان و دینداری که الله و قرآنش خواستار آن هستند ، و در آن جبر و استبدادی در کار نیست ! ، چونکه زور و استبداد ، نه بوجود آورنده ایمان ، بلکه نابود کننده ایمان و زائل کننده آن هستند .

تقدیر دیگر الهی در میدان زندگی بشری اینست که : راه رسیدن به نتیجه و هدف روی اصل « **تلاش و عمل** » قرار گرفته است ، که خود یک نوع تغییر مشروط است و کیفیت زندگی را در دنیا و آخرت رقم میزند ، و آیات ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ (از سوره نجم) در این رابطه چنین روشن گری میکنند : **وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى** (تقدیر ۱) **وَأَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَى** (تقدیر ۲) **ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءُ الْأَوْفَى** (تقدیر ۳) : « برای انسانها چیزی نتیجه دار و ثمربخش ، خارج از حاصل سعی و تلاش ، وجود ندارد ، و انسانها (بنابر تقدیر الهی) حاصل سعی و تلاش خود را برداشت کرده و

خواهند دید . و بعد در آخرت به پاداش کامل سعی و تلاش خود نائل خواهند شد .
در میدان اراده و تلاش، قرآن محفوظ ، آیات زیادی را ارائه داده و ابعاد مختلف و متنوع تلاش بشری را مورد توجه قرار داده است . از لحاظ فرهنگی و روحی نیز بازهم قرآن منزل، پایه نجات و خسران انسان را اراده و تلاش او قرار داده است ، اراده و تلاشی که منتهی به نفس و فرهنگی تزکیه شده و هدایت شده و یا نفس و فرهنگی آلوده شده و فاسد شده می‌گردد ، و در سوره شمس آیات ۹ و ۱۰ تقدیرات الله چنین بیان شده است : **قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا (تقدیر ۱) وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا (تقدیر ۲) :** « به تأکید کسانی که نفس و روح و فرهنگ خود را (از جهل و شرک و مفسد) پاک و تصفیه کردند ، نجات یافته و پیروز شدند ، و کسانی نیز که نفس و روح و فرهنگ خود را (بوسیله جهل و شرک و مفسد) آلوده کردند ، زیانکار و خسارت بار گشتند . این آیه عظیم تربیتی و فرهنگی ، بوضوح بیانگر واقعیتی بسیار اساسی و در تضاد با کل جهل و شرک و خرافات رایج و مرسوم در رابطه با ماهیت و فرهنگ بشری است ، که ازلی و ثابت و علاج ناپذیر تصور شده است !! ، و پیام این آیه چنین است : نفس و فرهنگ بشری ، ساخته و ایجاد میشود ، و بشر در بدو تولد خود، جنینی بی فرهنگ و بی تربیت و بی جهت است ، اما در عین حال مستعد و آماده جذب هر چیزی است که بدان تزریق شود ، و جنین بشری ، خود بخود مانند صفحه‌ای است که در آن چیزی نوشته نشده است . و این در جریان رشد و در طی زندگی است که وجودش به توحید و ارزشها و فداکاریها و پاکیزه آراسته میشود یا بوسیله خانواده و اطرافیان و محیط اجتماعی و... مملو از فساد و شرک و پستی می‌گردد . البته با توجه به اینکه قرآن خود شخص را مخاطب قرار داده و خود نفس را مسئول می‌شناسد ، میتوان نتیجه گرفت که بشریت دارای اراده و اختیار و توان انتخاب است ، و حتی اگر خیلی آلوده و فاسد هم بشود ، باز هم از دایره انسان بودن خارج نمیشود و سلب اراده و اختیار و انتخاب نمی‌گردد (و تن دادن به ذلت و زبونی و سلب اراده و اختیار و انتخاب از خود نیز ، خواه ناخواه ، ناشی از اراده و اختیار و نوعی انتخاب به حساب می‌آید) . و بالاخره هر انسانی تا پایان عمرش فرصت دارد که تصمیم بگیرد ، و در سایه اراده و اختیاری که ذاتا داراست و الله و خالقش به او عطا کرده است ، راه نهایی را انتخاب کند . هر چند تا تصمیم بر زندگی آزاد و مستقل و توحیدی، بیشتر به تأخیر بیافتد و عمر بشری

در ناتوانی و فساد و آلودگی طولانی تر شود، احتمال تغییر و تحول نجات بخش، کمتر و کمتر و بار بشری سنگین تر و احتمال تغییرش ضعیف تر می‌گردد.

تقدیر الله در رابطه با زلزله و تربیت

قرآن کریم در رابطه با زلزله و تردد انسانها و چگونگی عبور از زلزله و تردد (اضطراب) به ثبات و اطمینان (استقرار)، در سوره معارج آیات ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، تقدیر الله رب البشر را چنین بیان میدارد: **إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلِقٌ هَلُوعًا** (تقدیر ۱) **إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا** (تقدیر ۲) **وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا** (تقدیر ۳) **إِلَّا الْمُضِلِّينَ** (تقدیر ۴): «به تأکید انسان (نوع انسان) ذاتا متغیر و دگرگون شونده خلق شده است، اگر شر و ضرر بدو رسید بی‌تابی و جزع و فزع میکند، و اگر خیر و خوشی احساس کرد، راه بخل و تکبر و بی‌نیازی درپیش می‌گیرد، مگر آنهاست که پشت به قوانین الله بسته و به الله پیوسته‌اند». این آیه، نمونه‌ای عالی تبیین ماهیت انسان و بیانگر ضرورت تربیت و تزکیه و تلاش، جهت تثبیت روح و ماهیت و خلق اوست. در این آیه بصراحت اعلام شده که انسانهای تربیت نشده، فاقد ثبات و صلاحیت و طمأنینه بوده و دائما در فراز و نشیب قرار دارند، و راه ثبات و استقرار انسانها وصل به الله و قوانین و تقدیرات او ذکر شده است، که بوسیله تربیت و تزکیه و آموزش متحقق میشود. از طریق تربیت، انسانها میتوانند از شرک و دوگانگی و عدم استقرار نجات یابند و به تعادل برسند، و در سراء و ضراء (خیر و ضرر) از خود ثبات و استقرار نشان دهند، و این تقدیر الله است.

تقدیر الله و ملاک بقاء و زوال

و بالاخره قرآن مبین تقدیر و سنت الله را در سوره رعد آیه ۳۸-۳۹ در مورد آنچه لایق ثبات و ماندن است و یا آنچه محو شدنی و زائل شدنی است چنین بیان میدارد: **لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ** (تقدیر ۱) **يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ** (تقدیر ۲) **وَيُثَبِّتُ** (تقدیر ۳) **وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ**: «برای هر دوره و زمانی، کتاب و قانونی مقرر شده است، و الله هر آنچه را بخواهد (دوره و زمانش سپری شود) محو و زایل میکند و هر آنچه را بخواهد (دوره و زمانش باقی‌باشد) تثبیت و استوار می‌سازد، و ام‌الکتاب (کتاب مادر) و مصدر کتب و قوانین، نزد الله است». از این آیه که تقدیرات الله را بیان میکند میتوان چنین نتیجه گرفت که در دوره ختم نبوت و رسالت آخرین رسولان، که

رسالت محمد مصطفی است ، قرآن منزل و محفوظ ، با توجه به حکمت و مقاصد و اثرات سازنده آیاتش ، و نیز در سایه اجتهاد در زمان و مکان ، قابل اجراء و تنفیذ میشود ، و بدین شیوه دین الله در زمین جاری میگردد .

تدبیر هم جزو تقدیر است!

خوب است در رابطه با ضرب المثلی نیز که میگوید : « تقدیر و تدبیر از هم جدا هستند » ، و هدف از آن قفل اذهان است! در همینجا مقداری روشنگری شود : تدبیر جزو تقدیر الله است ، و اگر تدبیر ، دارای پایه های واقعی باشد و زمان و مکانش بصورتی واقعی در نظر گرفته شده باشد ، منتهی به نتیجه خواهد شد ، و این نه جدایی ، بل یک رابطه بدیهی و یک تقدیر و مطابق قوانین الله است . ولی اگر یک تدبیر و اندیشه بصورتی خام و خیالی ظاهر شده باشد و حاصلش طرحی خام و نپخته باشد ، مسلما به نتیجه ای نخواهد رسید ، که آنهم عین تقدیر و جزو قوانین الهی است ، زیرا طبق آیات قرآنی و سنن الهی ، **ظن و گمان و خیالات بیجا انسان را از حقیقت بی نیاز نمیسازند** ، و این درست اندیشی و واقعیت نگری است که منتهی به نتیجه میشود . همچنین خیالات بیجا و دارای پایه های خرافی ، بشریت را از عمل بی نیاز نمیکند ، و مثلا جامعه توحیدی و زندگی در سایه آیات قرآن ، با بیطرفی و خانه نشینی و تماشای بودن و امید به تدبیر و تقدیر آخوندی! حاصل نمیشود ، کما اینکه بهشت و رضای الله با عبادات تو خالی و مرده پرستی و از طُرُقی که اهل خیال و خرافه و آخوند زده بدان امید بسته اند ، بدست نمیآید زیرا کسب بهشت و رضای الله نیازمند **ایمان و عمل** است نه خیال و خرافات و ناتوانی مفرط!! ، راه الله اتحاد و فداکاری و جهاد با جان و مال می خواهد ، و مؤمنین بوسیله آیات قرآن آزمایش میشوند و نه بوسیله خیال و خرافات و نه بوسیله بیطرفی و خانه نشینی! ، و **بهشت الهی در دنیا و آخرت از آیات قرآن میگذرد** ، و این یک قضا و قدر الله است. در وادی خیالات و تنبلی و آخوند زدگی هم آنچه متحقق میشود ، **قضا و قدر الله** است نه **قضا و قدر آخوندی** ، و آن اینست : خیالات و بیطرفی و هیچ و پوچی و خانه نشینی و تماشای گری و سرنوشت خود و جامعه خود و وطن خود و دین خود را به دشمنان سپردن و انتظار نجات را از آنها داشتن ، سرنوشتی شوم و خطرناک در پی میآورد و بشریت را خسران دنیا و الآخرة می سازد ، و **این قانون** ، تقدیر الهی و دارای ثبات ابدی است. بنابر این ،

اصلی که ابدان باید از آن غافل شد اینست که تمام آیات قرآن و همه پدیده های جهان خلقت و هر حادثه ای که در زندگی بشری روی میدهد ، کلا در محدوده تقدیر الله و متکی به قوانین و سننی هستند که جهان بر اساس آنها خلق شده است . و اراده بشری و چگونگی بی اراده شدن او ، عقل بشری و چگونگی کسب آن ، انتخاب بشری یا هیچ و بی معنا گشتن زندگی ، ماهیت مشترک زن و مرد ، شکست و پیروزی و علل آنها و جزو تقدیرهای الله هستند . و خلاصه هر چه واقعیت دارد و امری بحساب می آید یک تقدیر الهی است و دارای خلقت و ماهیتی است و قوانینی بر آن حاکم است . لازم به ذکر است که وجود **دروغ و تهمت و خرافات** و چگونگی بوجود آمدنشان و نیز نتایج و عواقبی که بوجود می آورند ، قانونمند میباشد ، و حاصل اراده و خواست هدایت نشده بشر و ناشی از عقل ناقص اوست . و باید دانست که ماهیت و محتوای دروغ و تهمت و خرافات وجود و واقعیت ندارد ، و تنها ناشی از خصائلی مضر مثل جهل ، بی انضباطی ، عداوت ، منافع نامشروع و هستند . همچنین عواقب و نتایج شوم دروغ و تهمت و خرافات ، که عبارت است از فساد ، شرک ، ظلم ، تبعیض و واقعیت دارند ، و بشریت همیشه از وجود پوک و بی پایه و خلاف آنها به صورت اساسی متضرر شده است .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۵ شوال ۱۴۲۴ - ۸ آذر ۱۳۸۲

ادامه دارد